



روزنامه جوان | شماره ۵۷۲۱



سروس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴۴

**گفت‌وگوی «جوان» با پیرمحمد ملازهی، کارشناس ار شد مسائل شبه قاره هند**

# مذاکرات امریکا با طالبان به صلح کامل نمی‌رسد



**گفت‌وگو**  
**روح‌الله صالحی**

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری این گروه در قدرت سیاسی، پس از ۱۸ سال جنگ، خاک افغانستان را ترک کنند. پس از چند ماه تأخیر و اختلافات سیاسی، افغانستان در آستانه بر گزاری انتخابات ریاست جمهوری است. انتخاباتی که احتمال بروز خشونت‌ها و ادعاهای تقلب، مانند گذشته بر این انتخابات نیز سایه افکنده است. تهدید برخی نامزدهای ریاست جمهوری به تحریم انتخابات و افزایش حملات تروریستی از سوی طالبان چالش‌هایی است که افغانستان تا زمان انتخابات با آن دست و پنجه نرم خواهد کرد. علاوه بر این، مذاکرات طالبان و امریکا که گفته می‌شود در آستانه نهایی شدن است، نگرانی‌ها را نسبت به آینده سیاسی افغانستان افزایش داده است، زیرا امریکایی‌ها معتقدند انتخابات آتی افغانستان پس از توافق نهایی صلح با طالبان باید برگزار شود تا زمینه مشارکت این گروه در ساختار قدرت در این کشور فراهم شود. طالبان همزمان با مذاکره با واشنگتن، حملات خود را تشدید کرده تا با نامن نشان دادن افغانستان، امتیازاتی از امریکایی‌ها دریافت کند.

پیرمحمد ملازهی، کارشناس ار شد شبه‌قاره معتقد است: «نیازهای داخلی امریکا سبب تسریع در مذاکرات با طالبان شده است، الان به لحاظ تبلیغاتی، دونالد ترامپ و تیمش نیاز مبرمی دارند تا نشان دهند که خروج از افغانستان را شروع کرده‌اند و این گونه القا کنند که بعد از این، هزینه‌های جهانی امریکا کاهش خواهد یافت. این مسئله می‌تواند شانس پیروز شدن ترامپ در انتخابات را افزایش دهد».

ملازهی می‌گوید: «امریکایی‌ها بخش زیادی از نیروهایشان را از افغانستان خارج می‌کنند ولی تعدادی از پایگاه‌هایشان را حفظ می‌کنند اما اینکه تصور کنیم با توافق طالبان و امریکا، جنگ در افغانستان تمام خواهد شد، خوش بینانه است و گروه‌های دیگر جنگ را به نوع دیگری ادامه خواهند داد.»

**در روزهای اخیر اخباری مبنی بر توافقات طالبان و امریکا بر سر خروج نیروهای امریکایی از افغانستان منتشر شده و گفته می‌شود دو طرف ۹۰ درصد در مذاکرات پیشرفت داشته‌اند. آیا امریکا واقعا به دنبال خروج از افغانستان است؟ چرا؟**

در اینکه توافقاتی انجام شده است، تردیدی وجود ندارد و زلمای خلیلزار، نماینده ویژه امریکا در امور افغانستان هم این مسئله را تأیید کرده که توافقات کلی صورت گرفته است و نشان می‌دهد که چارچوب اصلی توافق مشخص شده و طرفین روی مفاد آن توافق کرده‌اند اما بحث اصلی این است که ابداً این توافق چیست و تاکنون مشخص نشده که روی چه مسائلی توافق صورت گرفته ولی گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که امریکا پذیرفته است که نیروهای خود در افغانستان را از تعداد ۱۴ هزار نفر به ۸هزار نفر کاهش دهد. همچنین گفته می‌شود طالبان روی دو مسئله توافق کرده‌اند، یک اینکه امریکایی‌ها بخشی از نیروهای خود را خارج کرده و بخشی از نیروها را در سه پایگاه بگرام، شیندنند و قندهار، حفظ کنند که این مسئله جای بحث دارد چرا که شرط طالبان همیشه این بوده که نیروهای امریکایی و ناتو به طور کامل از افغانستان خارج شوند ولی با توجه به واقعات منطقه‌ای، به نظر نمی‌رسد امریکایی‌ها به طور کامل از افغانستان خارج شوند، چون در این صورت باید شکست در افغانستان را بپذیرند و گمان نمی‌رود در شرایط کنونی امریکایی‌ها در موقعیتی قرار داشته باشند که شکست سیاست‌های خود در افغانستان را قبول کنند. من فکر می‌کنم دو طرف مواضع قبلی خود را تعدیل کرده‌اند تا توافقاتی حاصل شود.

**مفاد این توافقات درباره چه موضوعاتی است؟ ظاهراً بخش‌هایی از خاک افغانستان تحت کنترل طالبان قرار می‌گیرد. اگر این‌طور باشد، معنی آن چیست؟**

قرار دادن بخش‌هایی از خاک افغانستان تحت کنترل طالبان بخشی از توافقات است. در ابتدا قرار بود ۱۳ منطقه پشتون‌نشین افغانستان را در اختیار طالبان قرار دهند، اما آنچه مطرح است اینکه طالبان یک گروه ایدئولوژیک و انحصار طلب قومی است و این مسئله مانع بزرگی برای روند صلح است. حتی اگر در شرایط کنونی طالبان به شریک شدن در قدرت رضایت بدهند به این معنی نیست که این توافق را رعایت می‌کنند، زیرا طالبان تمامی قدرت در افغانستان را می‌خواهد. به نظر می‌رسد زلمای خلیلزار، طالبان را متقاعد کرده است که این گروه از طریق نظامی نمی‌تواند قدرت را در کابل به دست بگیرد بلکه از طریق سیاسی و سازو کار انتخاباتی شانس بیشتری برای دستیابی به قدرت خواهد داشت. بحث مهمی که وجود دارد موقعیت سایر قومیت‌ها مثل تاجیک‌ها، هزاره‌ها و ازبک‌ها است که این قومیت‌ها بخشی از قدرت را در کابل در دست دارند. این نیروها لان مدعی قدرت هستند و تا زمانی که برای گرفتن سهمی از قدرت سیاسی تضمین نگیرند، حاضر نمی‌شوند با طالبان کنار بیایند.

در شکل کنونی، ۵۰ درصد قدرت در دست اتحاد شمال است که عبدالله عبداله نمایندگی آن را بر عهده دارد. اگر به لیست نامزدهای انتخابات افغانستان نگاه کنیم بخش مهمی از این افراد از قومیت‌های غیر پشتون هستند و به راحتی حاضر نمی‌شوند قدرت را به طالبان واگذار کنند. امریکا از طالبان می‌خواهد در قدرت مشارکت کند و در میان نیروهای مختلف قومی و مذهبی به یک توازن برسد و نظام سیاسی فعلی با حضور دیگر گروه‌های قومی و سیاسی تداوم یابد، چون امریکا می‌داند که اگر طالبان به سمت قبضه کامل قدرت پیش برود، قومیت‌های دیگر دست به سلاح می‌برند و در واقع جغرافیای جنگ فعلی در جنوب افغانستان به شمال این کشور نیز گسترش خواهد یافت. برای اینکه صلح و ثبات به افغانستان بازگردد، باید ساختار قدرت در افغانستان تغییر یابد. به این معنا که یک نوع سیستم فدرالی را در اصلاح قانون اساسی که قرار است انجام شود، بپذیرند، آن‌طور که طالبان بر اساس توافق با امریکا مناطق پشتون‌نشین را در دست می‌گیرند و سهمی از قدرت را در کابل

به دست می‌آورند هر کدام از قومیت‌های دیگر چنین سهمی را داشته باشند. به نظر، ساختار فعلی قدرت حاکم در افغانستان، بعد از توافق کلی با طالبان کارایی نخواهد داشت. در لیست ۱۸ نفره نامزدهای ریاست جمهوری افغانستان همه تفکراتی که در این کشور وجود دارد، حضور دارند. بنابراین، نیازهای داخلی امریکاست که تحولات افغانستان را جهت می‌دهد، ترامپ وعده داده بود که از افغانستان خارج می‌شود و همین وعده‌ها سبب شد تا بخشی از افکار عمومی امریکا به ترامپ رأی بدهند. الان هم به لحاظ تبلیغاتی، ترامپ و تیمش نیاز مبرمی دارند تا نشان دهند که خروج از افغانستان را شروع کرده‌اند و این گونه القا کنند که بعد از این، هزینه‌های جهانی امریکا کاهش خواهد یافت و سسر باران این کشور در افغانستان جانفشانی به خطر نخواهد افتاد، این مسئله می‌تواند به ترامپ در انتخابات کمک کند و شانس پیروز شدنش را افزایش دهد.

**با توجه به اینکه دولت افغانستان در مذاکرات امریکا و طالبان حضور ندارد، در صورت توافق طالبان و واشنگتن، آیا دولت کابل مفاد آن را خواهد پذیرفت؟ حرف‌های مقامات دولتی افغانستان از جمله رئیس‌جمهور نشان می‌دهد سال آینده امریکا نظامیان این کشور خاک افغانستان را ترک کند؟**

واقعیت این است که نیازهای داخلی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا در انتخابات ریاست جمهوری تعیین‌کننده است نه مسئله انتخابات آتی افغانستان. زیرا انتخابات افغانستان فعلاً زیر سؤال است، هر چند اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان می‌خواهد انتخابات را در مهر ماه برگزار کند ولی شرایط‌هایی وجود دارد که در پشت پرده مذاکرات بین طالبان و امریکا مورد توافق قرار گرفته است. اولویت دولت امریکا مسئله انتخابات افغانستان نیست و در توافقاتی که صورت گرفته به نوعی دولت موقت مطرح است تا به مدت یک یا دو سال به کار ادامه دهد و طالبان تمایل دارند که رهبری این دولت را بر عهده بگیرند و این دولت موقت بتواند انتخابات آینده را برگزار کند. چون طالبان دولت اشرف غنی را به رسمیت نمی‌شناسند و حاضر نیستند با این دولت همکاری کنند. عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان در سفر به امریکا به این مسئله اشاره کرد که لازم است طالبان هم نماینده خود در انتخابات آینده را معرفی کند اما این انتخابات چه زمانی برگزار شود انهام دارد و معلوم نیست که انتخابات آتی در موعد مقرر برگزار شود.

دولت فعلی افغانستان قانونی نیست و دوره‌اش تمام شده و هر چه زودتر انتخابات را برگزار کند به نفع خودش است ولی معلوم نیست که امریکایی‌ها هم این دیدگاه را در توافق با طالبان

فراهم شود و طی آن دولتی که روی کار می‌آید، قطعاً طالبان با آن وارد مذاکره جدی خواهد شد و اگر قرار است صلحی در افغانستان ایجاد شود، باید بین طالبان، نیروهای ارتش و دولت مرکزی باشد. در هر حال اگر طالبان صلح کند باید با دولت مرکزی باشد که چارچوب آن هنوز مشخص نیست، اینکه آیا طالبان خلع سلاح می‌شود یا در ارتش و نیروهای امنیتی ادغام می‌شود باید بر سر جزئیات آن توافق کنند. طالبان امیدوار هستند تا به قدرت کامل برگردند اما باید منتظر ماندو دید چقدر زمینه‌های رسیدن به این هدف فراهم است.

**پس به نظر شما دولت وحدت ملی در آینده افغانستان جایی ندارد و باز هم امریکایی‌ها در انتخابات آتی این کشور تصمیم خواهند گرفت؟**

الان، دولت وحدت ملی در داخل خود دچار اختلاف است و جناح عبدالله عبدالله منتقد سیاست‌های اشرف غنی است. ۱۱ نفر از نامزدهای ریاست جمهوری افغانستان شورای مشورتی تشکیل داده‌اند و دولت را به نقاب در انتخابات متهم می‌کنند و تهدید کرده‌اند که در صورت اصلاح نشدن سازو کار انتخاباتی، انتخابات را تحریم می‌کنند. با وجود این اختلافات نمی‌توان تصور کرد که اشرف غنی دوباره قدرت را به دست بگیرد، هر چند تلاش می‌کند تا بر نامه برزان انتخاباتی، رئیس کمیسیون انتخابات و هیئت نظارت را از افراد مورد اعتماد خود انتخاب کند که این مسئله مورد اعتراض سایر نامزدها قرار گرفته است. اگر مجموع شرایط را در نظر بگیریم شانس زیادی برای اشرف غنی باقی نمی‌ماند و او پایگاه قدرتمندی در بین قبایل پشتون ندارد و با حمایت امریکایی‌های روی کار آمد و در صورتی که حمایت امریکا نباشد، نمی‌تواند پیروز شود.

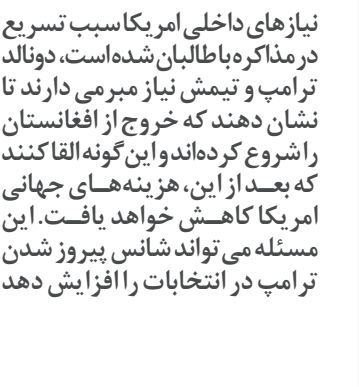
**با توجه به اینکه طالبان یک گروه منسجم و یکدست نیستند و برخی از شاخه‌های طالبان در روند مذاکرات صلح حضور ندارند، آیا احتمال دارد که این شاخه‌ها به سمت روسیه و چین گرایش پیدا کرده و با نتایج توافقات انجام شده امریکا با شاخه اصلی طالبان مخالفت کنند؟**

احتمال دارد. به خصوص که کشورهای روسیه و چین که در عرصه بین‌المللی تعیین‌کننده هستند و همچنین کشورهای همجوار مثل ایران، ترکمنستان و ازبکستان و حتی کشورهای مثل ترکیه، عربستان سعودی و هند به سادگی حاضر نمی‌شوند همه چیز را از دست بدهند. جناح‌های مختلفی در طالبان وجود دارد، یکی از این جناح‌ها، که شوروی کوبته است در حال مذاکره با امریکاست و علاوه بر این شوراهای دیگری از جمله شبکه حقانی، شورای پیشاور،

واقعیت این است که روسیه و چین هم با امریکا بر سر مسئله افغانستان به یک تفاهمی می‌رسند. نشست اخیری که در پکن در سطح معاونان وزرای خارجه روسیه، چین و امریکا برگزار شد، چنین‌ها اعلام کردند که پاکستان هم باید در این گفتوگوها حضور داشته باشد و نشست چهار جانبه‌ای تشکیل شد. ظاهراً نگرانی روسیه و چین از جانب طالبان نیست بلکه از سوسی گروه تروریستی داعش است که از خاورمیانه به افغانستان گسیل شده است. با توجه به اینکه افرادی از اوغوزها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها در کنار داعش در سوریه و عراق می‌جنگیدند در صورت اعدام آنها به آسیای مرکزی، امنیت روس‌ها تهدید می‌شود.

نگرانی روس‌ها این است که امریکا و طالبان باید تضمین بدهند که اجازه نمی‌دهند اعضای داعش علیه روس‌ها وارد عمل شوند. نگرانی چین هم از بابت مسئله گسیل کیانگ است و نهضت اسلامی ترکستان شرقی که در کنار داعشی‌ها بوده خطری برای امنیت چین است.

چین نمی‌خواهد افغانستان دوباره پایگاهی برای اوغوزها شود و امنیت چین را به خطر بیندازد. به نظر م، در نشست پکن یک تفاهمی بین روسیه، امریکا و چین به دست آمده تا اجازه ندهند داعش از افغانستان به عنوان پایگاهی برای حمله به مرزهای چین و روسیه استفاده کند. اگر این توافق به وجود آمده باشد، به نظر نمی‌آید که روسیه و چین به صورت جدی بخش‌های ناراضی طالبان را مورد حمایت قرار دهند و طرح‌های



**نیازهای داخلی امریکا سبب تسریع در مذاکره با طالبان شده‌است، دونالد ترامپ و تیمش نیاز مبرمی دارند تا نشان دهند که خروج از افغانستان را شروع کرده‌اند و این‌گونه القا کنند که بعد از این، هزینه‌های جهانی امریکا کاهش خواهد یافت. این مسئله می‌تواند شانس پیروز شدن ترامپ در انتخابات را افزایش دهد**

|| شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۸ | ۸ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ |

امریکا را به شکست بکشانند. روسیه و چین اگر منافع خودشان را تضمین شده ببینند، از طالبان به عنوان ابزاری علیه منافع امریکا استفاده نخواهند کرد.

**به نظر می‌رسد طالبان هم به دولت امریکا اعتماد ندارد و به همین منظور خواهان نظارت قدرت‌هایی مثل روسیه و چین در توافقات نهایی با واشنگتن شده است، تا تضمین‌های لازم را بگیرد. در مذاکرات صلح طالبان با امریکا امکان حضور دیگر باز بگران بین‌المللی نیز وجود دارد؟**

بر اساس یک تجربه جهانی گفته می‌شود هر نوع صلح و توافق منطقه‌ای بدون مشارکت دیگر بازیگران عمده جهانی امکان‌پذیر نیست و به سرانجام نخواهد رسید. طالبان نیز این تجربه را دارند و به این نتیجه رسیده که اگر قرار بر توافقی در مورد افغانستان باشد، تضمینی برای پایداری این توافق وجود نخواهد داشت. بنابراین طالبان به دنبال آن هستند تا به منظور تضمین بلندمدت حضورشان در قدرت در هر نوع توافقی که صورت می‌گیرد، روسیه، چین، اروپا و کشورهای منطقه و همسایه پاکستان نیز حضور داشته باشند و در توافق دخیل باشند تا نوعی تضمین همه جانبه باشد تا در مراحل بعدی امریکایی‌ها نتوانند این توافق را نقض کنند، به‌ویژه آنکه دولت ترامپ به شدت دارای مواضع متناقض و متزلزل است. بنابراین احتمال دارد طالبان با امریکایی نیز در مورد حضور دیگر قدرت‌ها و کشورهای منطقه به توافقاتی دست یابند. بنابراین ممکن است در مراحل پایانی مذاکرات میان طالبان و امریکا، دیگر کشورها نیز در این مذاکرات و توافقات مشارکت داده شوند.

**گروه طالبان همزمان با مذاکرات صلح، حملات و انفجارهایی را در مناطق مختلف افغانستان انجام می‌دهد. وقوع انفجارها همزمان با مذاکرات صلح از سوی طالبان به چه دلیل و هدفی صورت می‌گیرد؟ آیا این حملات یک تاکتیک مذاکراتی است یا دلایل دیگری در اجرای این عملیات‌ها وجود دارد؟**

شورای کوبته به عنوان اصلی‌ترین جریان طالبان که بیشترین نیرو و امکانات را در اختیار دارد در حال مذاکره با امریکاست و اگر عملیات‌های انفجاری اخیر در افغانستان از سوی این بخش از طالبان صورت گرفته باشد، به این معناست که طالبان در همان حال که مذاکره می‌کند، می‌خواهد این مذاکرات را از موضع قدرت به پیش ببرد و دولت افغانستان و امریکارا در وضعیتی قرار دهند که حداکثر امتیازات و سهم از قدرت را در آینده به دست آورند. بنابراین مذاکره طالبان همزمان با انجام عملیات انفجاری در افغانستان با هدف دستیابی به قدرت صورت می‌گیرد. در واقع از دید امریکایی‌ها طالبان در قدرت می‌توانند شریک با همین هدف نیز طالبان همزمان با مذاکره برخی عملیات‌های انفجاری و جنگی را دنبال می‌کنند.

**در کل شما چشم‌انداز این مذاکرات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

جنگ در افغانستان در بن‌بست رسیده است. نه امریکایی‌ها توانسته‌اند طالبان را از بین برده و از صحنه خارج کنند و نه طالبان توانسته‌اند همانند آنچه نیروهای افغان با ارتش شوروی کردند، امریکایی‌ها را از افغانستان اخراج کنند. به نظر من، مذاکرات طالبان و امریکا به نتیجه خواهد رسید اما اینکه آیا این مذاکرات به صلح کامل در افغانستان منجر می‌شود به نظر م، نه. اما امریکایی‌ها بخش زیادی از نیروهایشان را از افغانستان خارج می‌کنند ولی تعدادی از پایگاه‌هایشان را حفظ می‌کنند، زیرا اهداف راهبردی در افغانستان دارند.

از آن جایی که این مذاکرات در پشت پرده انجام می‌شود، یک‌سری ابهامات نیز وجود دارد، هر چند تردیدی در پیشرفت مذاکرات نیست. در واقع طالبان از امریکا می‌خواهد نظامیان خارجی از افغانستان خارج شوند و فضا برای بازگشت نیروهای طالبان به صحنه سیاسی فراهم شود اما اینکه آیا این مذاکرات به توافق طالبان و امریکا، جنگ در افغانستان تمام خواهد شد، خوش بینانه است. چون شرایط به گونه‌ای است که نیروهای متعددی در افغانستان وجود دارند که می‌خواهند به نوع دیگری به جنگ ادامه دهند. البته بخشی از طالبان بر اساس توافقات انجام شده، در قدرت ترک شریک می‌شود و هدفش این است که در بلندمدت قدرت را به طور کامل به دست بگیرد. الان در داخل طالبان به لحاظ تفکر یک‌گرو دسیسی ایجاد شده است، گروهی که قبلاً معتقد بودند میز مذاکره دروازه جهنم است، الان در حال مذاکره با امریکا هستند و تغییراتی در ساختارهای این گروه انجام شده است. طالبان فعلی با طالبان دوره ملامعر تفاوت‌هایی دارد و در گذشته دیدگاه‌های عمیق مذهبی را دنبال می‌کرد ولی الان واقع‌بین‌تر شده‌اند. طالبان، کشورهای اسلامی و ساختارهای سیاسی آنها را دیده است و می‌داند که تغییرات مذهبی در این کشمیرها انجام شده و به نظر نمی‌آید که طالبان به تفکرات سابق خود وفادار باشند.

البته به نظر می‌رسد امریکا با حامیان طالبان از جمله پاکستان و عربستان سعودی نیز توافقاتی داشته‌است تا طالبان را به سمت یک راه حل سیاسی سوق دهند و در آن راه حل سیاسی هم هدف پاکستان و هم عربستان و هم طالبان تأمین شود. بنابراین احتمال دارد که ساختار آتی افغانستان به سمت نوعی فدرالیسم حرکت کند و امریکایی‌ها نیز همین فدرالیسم را در افغانستان در نظر خواهند داشت.

**با توجه به اینکه طالبان در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در ماه سپتامبر مشارکت نخواهد داشت به نظر تان طالبان چه برنامه‌هایی برای انتخابات دارد؟ از طرفی، بر خسی نامزدهای انتخابات تهدید کرده‌اند که اگر سازو کار انتخاباتی اصلاح نشود، انتخابات را تحریم خواهند کرد. با وجود این، شما افق انتخابات آتی افغانستان را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

من فکر می‌کنم این انتخابات زیر سؤال است و خیلی نمی‌توان امیدوار بود که در موعد مقرر برگزار شود و حتی اگر برگزار نشود نمی‌تواند راه حلی پیدا کند. بنابراین، احتمال اینکه انتخابات به تعویق بیفتد زیاد است ولی اشرف غنی به سادگی زیر بار این مسئله نمی‌رود چون در هر حال اگر این انتخابات برگزار نشود دیگر شانس برای دولت کنونی وجود نخواهد داشت تا بتوانند نقشی در ساختار سیاسی داشته باشد، زیرا ابتکار عمل از دستشان خارج خواهد شد. دولت می‌خواهد انتخابات را در موعد مقرر برگزار کند ولی این اولویت امریکایی‌ها نیست و طالبان هم مخالف است و به نظر نمی‌رسد این گروه انتخاباتی را به رسمیت بشناسند که دولت وحدت ملی آن را برگزار کرده باشد. از طرفی، اختلافات بین عبدالله عبدالله و اشرف غنی هم در داخل دولت افزایش یافته و احتمال اینکه به جای برگزاری انتخابات دولت موقتی تشکیل شود، زیاد است.